

# پیوستگی متن قرآن کریم

(رویکرد زبان‌شناختی)

محمد حسن صانعی پور

(عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور)

سید مهدی لطفی



## فهرست مطالب

مقدمه	۱۱
فصل اول: کلیات	۱۵
۱-۱. پیشینه مسئله در علوم قرآنی	۱۷
۱-۱-۱. تفاسیر و دغدغه‌های مشابه	۱۷
۱-۲. علوم قرآنی و مباحث مشابه	۲۰
الف. علم المناسبه	۲۱
ب. علم الفواصل	۲۲
۱-۳. تقسیمات قرآنی	۲۵
۱-۲. زبان‌شناسی و مطالعات متنی	۲۸
۱-۳. پیوستگی COHESION چیست؟	۳۰
۱-۴. ساختارشناسی متن قرآن	۳۳
۱-۴-۱. ساختار چیست؟	۳۳
۱-۴-۲. انواع ساختارهای متن	۳۵
الف. ساختارهای «معناشناختی» semantic متن	۳۶
ب. ساختارهای معانی بیانی Rhetorical متن	۳۹
ج. ساختارهای بافتاری textual متن	۴۰
۱-۴-۳. آثار و نتایج ساختارسازی برای متن	۴۲

۴۲	الف. آثار معناشناختی
۴۳	ب. آثار ساختار «معانی بیانی» متن
۴۵	<b>فصل دوم: پیوندهای معناشناختی SEMANTIC</b>
۴۶	۱-۲. عناصر متن قرآن
۴۷	۱-۱-۲. عنصر نحوی Phrase Type
۴۹	۲-۱-۲. مقوله حاکمیت Governing
۵۶	۲-۲. پیوندهای معنایی بین عناصر متن
۵۶	۱-۲-۲. شبکه معنایی متن
۵۸	۲-۲-۲. تحقیقات بازشناسی نقش‌های معنایی حاکم بر شبکه معنایی متن
۶۸	۳-۲. پیوندهای معناشناختی قرآن
۶۹	۱. عامل Agent
۷۰	۲. بهره‌مندی Benefit
۷۰	۳. سبب Cause
۷۱	۴. همراهی Comitative
۷۱	۵. درجه Degree
۷۱	۶. تأکید Emphasis
۷۲	۷. تجربه‌گر Experiencer
۷۲	۸. مقصد Goal
۷۲	۹. وسیله Instrument
۷۳	۱۰. مکان Location
۷۳	۱۱. شیوه Manner
۷۳	۱۲. تهی Null
۷۴	۱۳. مسیر Path
۷۴	۱۴. پذیرا Patient
۷۴	۱۵. حصر Restriction

فهرست مطالب □ ۷

۷۵	Source مبدأ
۷۵	State وضع
۷۵	Time زمان
۷۶	۴-۲. بازیابی اطلاعات متن
۷۹	<b>فصل سوم: پیوندهای معانی بیانی RHETORIC</b>
۸۰	۳-۱. روابط منطقی
۸۲	۳-۱-۱. رابطه افزایشی Additive
۸۴	۳-۱-۲. رابطه نقضی Adversative
۸۴	۳-۱-۳. رابطه سببی Causal
۸۷	۳-۱-۴. رابطه زمانی temporal
۸۷	۳-۱-۵. رابطه جایگزینی Alternative
۸۸	۳-۲. فهم متن
۹۱	<b>فصل چهارم: پیوندهای بافتاری TEXTUAL</b>
۹۱	۴-۱. پیوندهای واژگانی
۹۲	۴-۱-۱. تکرار واژه Word Repetition
۹۳	۴-۱-۲. هم‌معناها Synonyms
۹۴	۴-۱-۳. شمول Superordinates
۹۶	۴-۱-۴. تقابل Opposites
۹۷	۴-۲. پیوندهای نحوی
۹۸	۴-۲-۱. واژگان مرجع‌پذیر Reference Word
۹۹	الف. ارجاع «درون‌متنی» و «برون‌متنی»
۱۰۱	ب. ارجاع شخصی Personal Reference
۱۰۷	ج. ارجاع اشاره‌ای Demonstrative Reference
۱۱۱	د. موصولات
۱۱۴	۴-۲-۲. جانشینی Substitution

۱۱۶	----- Ellipsis حذف به قرینه
۱۲۱	----- نتیجه‌گیری
۱۲۵	----- منابع
۱۲۱	----- نمایه

### فهرست شکل‌ها

۳۴	شکل ۱-۱: ساختار متن قرآن در مقایسه با ساختار حاکم بر متن کتاب عادی.....
۳۷	شکل ۲-۱: نمایش پیوندهای معناشناختی آیات ۷۴ و ۷۵ سوره انبیاء.....
۳۸	شکل ۳-۱: ساختار معناشناختی متن قرآن (از یک سوره تا اجزای کوچکتر).....
۵۲	شکل ۲-۲: نمایش مسیر حرکت بر روی نمودار درختی.....
۵۳	شکل ۳-۲: نمودار درختی از پیوندهای درونی جمله.....
۵۶	شکل ۴-۲: نمودار شبکه‌ای از روابط نحوی جمله.....
۵۷	شکل ۵-۲: نمودار شبکه‌ای از روابط معنایی، بر اساس نظریه بیوگرند.....
۵۸	شکل ۶-۲: نمونه پیچیده از نمودار شبکه‌ای جمله.....
۶۰	شکل ۷-۲: نمونه‌ای از تجزیه جمله در دستور حالت.....
۶۴	شکل ۸-۲: نمونه‌ای از میدان‌ها و قالب‌های معنایی در FRAMENET.....
۶۸	شکل ۹-۲: نمونه برچسب‌زنی در پروژه FRAMENET.....
۱۲۳	شکل ۱-۴: تفاوت در نمایش ساختارهای متن.....

### فهرست جداول

۴۹	جدول ۱-۲: لیست ابتدایی از انواع عنصر نحوی با مثال‌های قرآنی.....
۵۴	جدول ۲-۲: نمایش مسیر حرکت غالب برای عناصر نحوی.....
۶۴	جدول ۳-۲: نمونه از نقش‌های معنایی که توسط واژه‌های معرف ARGUE و ARGUMENT از قالب CONVERSATION تعیین شده است.....
۶۶	جدول ۴-۲: میدان‌های معنایی موجود در FRAMENET.....
۶۷	جدول ۵-۲: لیست پربسامدترین نقش‌ها در پروژه FRAMENET.....
۱۰۴	جدول ۴-۱: انواع ارجاع درون متن و برون متن صیغه‌های عربی.....

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»  
وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي  
فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ  
(قرآن کریم. سوره مبارکه النمل. آیه شریفه ۱۵)

## سخن ناشر

فلسفه وجودی دانشگاه امام صادق علیه السلام که از سوی ریاست دانشگاه به کرات مورد توجه قرار گرفته، تربیت نیروی انسانی ای متعهد، باتقوا و کارآمد در عرصه عمل و نظر است تا از این طریق دانشگاه بتواند نقش اساسی خود را در سطح راهبردی به انجام رساند.

از این حیث «تربیت» را می توان مقوله ای محوری یاد نمود که وظایف و کارویژه های دانشگاه، در چارچوب آن معنا می یابد؛ زیرا که «علم» بدون «تزکیه» بیش از آنکه ابزاری در مسیر تعالی و اصلاح امور جامعه باشد، عاملی مشکل ساز خواهد بود که سازمان و هویت جامعه را متأثر و دگرگون می سازد.

از سوی دیگر «سیاست ها» تابع اصول و مبادی علمی هستند و نمی توان منکر این تجربه تاریخی شد که استواری و کارآمدی سیاست ها در گرو انجام پژوهش های علمی و بهره مندی از نتایج آنهاست. از این منظر پیشگامان عرصه علم و پژوهش، راهبران اصلی جریان های فکری و اجرایی به حساب می آیند و نمی توان آینده درخشانی را بدون توانایی های علمی -

پژوهشی رقم زد و سخن از «مرجعیت علمی» در واقع پاسخ‌گویی به این نیاز بنیادین است.

**دانشگاه امام صادق علیه السلام** در واقع یک الگوی عملی برای تحقق ایده دانشگاه اسلامی در شرایط جهان معاصر است. الگویی که هم‌اکنون ثمرات نیکوی آن در فضای ملی و بین‌المللی قابل مشاهده است. طبعاً آنچه حاصل آمده محصول نیت خالصانه و جهاد علمی مستمر مجموعه بنیان‌گذاران و دانش‌آموختگان این نهاد است که امید می‌رود با اتکاء به تأییدات الهی و تلاش همه‌جانبه اساتید، دانشجویان و مدیران دانشگاه، بتواند به مرجعی تمام عیار در گستره جهانی تبدیل گردد.

**معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام** با توجه به شرایط، امکانات و نیازمندی جامعه در مقطع کنونی با طرحی جامع نسبت به معرفی دستاوردهای پژوهشی دانشگاه، ارزیابی سازمانی - کارکردی آن‌ها و بالاخره تحلیل شرایط آتی اقدام نموده که نتایج این پژوهش‌ها در قالب کتاب، گزارش، نشریات علمی و... تقدیم علاقه‌مندان می‌گردد. هدف از این اقدام - ضمن قدردانی از تلاش خالصانه تمام کسانی که با آرمان و اندیشه‌ای بزرگ و ادعایی اندک در این راه گام نهادند- درک کاستی‌ها و اصلاح آنهاست تا از این طریق زمینه پرورش نسل جوان و علاقه‌مند به طی این طریق نیز فراهم گردد؛ هدفی بزرگ که در نهایت مرجعیت **مکتب علمی امام صادق علیه السلام** را در گستره بین‌المللی به همراه خواهد داشت. (ان‌شاءالله)

ولله الحمد

معاونت پژوهشی دانشگاه



## مقدمه

مقاله یک روزنامه را پیش رو قرار دهید. شکل و شمایل حال حاضر این مقاله حاکی است که جملات با نظم و ترتیب خاصی پشت سر هم قرار گرفته‌اند، به صورتی که منظور و مقصود نویسنده را دربردارند. حال اگر قیچی در دست بگیریم و تک تک جملات این مقاله را بریده و در هم بریزیم و مجدداً بدون رعایت نظم و ترتیب قبلی کنار هم بچینیم، دیگر چیزی از آن نمی‌فهمیم.

در شکل و شمایل جدید، جملات نیز کنار هم قرار گرفته‌اند و حتی می‌توانند بدین صورت زیر چاپ رفته و در شماره بعدی روزنامه چاپ شود؛ اما این مجموعه دیگر متن و مقاله قبلی نیست، بلکه رساننده مفهوم و مقصودی نیز نمی‌باشند. چرا که خواننده نمی‌توان ربط و پیوندی بین جملات پشت سر هم قرار گرفته ایجاد کند. این مجموعه به‌عنوان یک متن ناپیوسته شناخته می‌شود درحالی‌که صورت اولیه این مقاله به‌عنوان یک متن پیوسته شناخته می‌شد.

از این قبیل نمونه‌ها برداشت می‌شود که یک متن پیوسته دارای مؤلفه‌هایی است که متن ناپیوسته از آن محروم است. زبان‌شناسان متن تلاش کردند تا این مؤلفه‌ها را بیابند، مؤلفه‌ها و ویژگی‌هایی که یک متن را از سلسله جملات متوالی ناپیوسته متمایز می‌کند.

در این پروژه قصد داریم تا با استفاده از مطالعات و تحقیقات این

زبان‌شناسان گامی در بازشناسی صحیح متن و ویژگی‌های منحصر به فرد کتاب آسمانی اسلام برداریم تا شاید در حد توان محدود بشری گوشه‌ای از جلوه‌های اعجاز بیانی آن بر خوانندگان باز شود. لذا آنچه از این کتاب بی‌نهایت در این پروژه در دسترس است، همان بخشی است که مورد بازبینی یک انسان معمولی قرار دارد و محققین این پروژه ادعایی فراتر از آن ندارند. بر این اساس جنس دغدغه‌ها و مطالب این پروژه در طول آفرینش آثار اسلامی و در علوم مختلف پیشینه طولانی دارد. وجه تمایز این پروژه استفاده از مطالعات زبان‌شناسی گسترده‌ای است که در عرصه علوم مختلف تسری یافته است.

لذا در این طرح پژوهشی قصد بر این است تا با بهره‌گیری از تحقیقات و دست آورده‌ای جدید علمی همچون زبان‌شناسی Linguistics، روش تحلیل متن Text Analysis و تحلیل گفتار Discourse Analysis و در قالب یک مطالعه میان‌رشته‌ای Interdisciplinary، مسئله پیوستگی Cohesion در زبان مورد بررسی قرار گیرد. سپس با بومی‌سازی Localization مفاهیم، مبانی و قوانین آن در حوزه قرآن کریم، قواعد و قوانین حاکم بر پیوستگی متن قرآن کریم را استخراج کنیم. لازم به تذکر است، گفتمان منتخب در این تحقیق مطابق با محافل علمی و دانشگاهی دنیاست، لذا در سطحی موازی با آن‌ها قابل طرح هست، که خود گامی مهم و مؤثر برای حضور در این‌گونه محافل، به ویژه حوزه‌های مطالعاتی استشراف هست.

لازم به تذکر است، این پروژه به علت بکر بودن موضوع آن با فراز و نشیب‌های فراوانی مواجه شد. به ویژه به علت کمبود و نبود منابع موردنیاز در این باب از یک طرف و جوان بودن مطالعات زبان‌شناسی در کشور از طرف دیگر، تغییراتی در ساختار و فصل‌بندی نهایی پروژه ایجاد شده است. تغییرات مذکور در طی پروسه پژوهشی و مطالعات گسترده و به پیشنهاد کارشناسان و با تأیید متصدیان پروژه صورت گرفته است تا در انتهای کار شاهد نتیجه‌ای درخور باشیم.

بر این اساس نتایج این پژوهش، در قرآن (و هر متن دیگری) سه نوع پیوستگی قابل شناسایی است که به صورت سه ساختار معناشناختی، معانی بیانی و بافتاری در متن ایفای نقش می‌کند. لذا هر متنی به منظور ایجاد پیوستگی بین اجزای پراکنده خود نیازمند سه نوع پیوند است:

۱- پیوندهای معناشناختی

۲- پیوندهای معانی بیانی

۳- پیوندهای بافتاری

هر یک از این پیوستگی‌ها به صورت مجزا و مفصل به ترتیب در سه بخش دوم، سوم و چهارم مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در بخش اول نیز برخی مطالب کلی پیرامون مسئله «پیوستگی» همچون: پیشینه مسئله در آثار مکتوب اندیشمندان اسلامی و رد و پای آن در مطالعات علوم قرآنی ارائه شده است. در پایان مجدداً متذکر می‌شویم، این تحقیق در نوع خود گامی جدید و جدی در مطالعات بین‌رشته‌ای است که این دست مطالعات خود را مرهون راهنمایی‌های استاد گران‌قدر و ذی‌قیمت خود جناب آقای دکتر پاکتچی هستیم که به حق چراغ راه ما شدند و با مطالعات میان‌رشته‌ای خود بسترهای جدیدی را پیش روی دانشجویان خود قرار دادند و گستره وسیعی از مطالعات جدید را در علوم قرآن و حدیث فراهم نمودند. امید که اینچنین گام‌ها در بین استادان محترم و اهل فن به نیکی یاد و پشتیبانی شود و جلوۀ پسندیده «نقد و بررسی»، به دور از هرگونه پیش‌داوری منفی یا مثبت، در تمام زوایای این‌گونه پژوهش‌ها نمایان شود تا نگاه تیزبین استادان دیروز، چراغ راه جوانان نواندیش پژوهشگر در عرصه مطالعات دینی باشد. مسلماً با این دو بال پرنده کوچک اندیشه امروز پرفروغ‌تر پرواز خواهد کرد.

إن شاء الله

محرم الحرام ۱۴۳۸



فصل اول:

## کلیات

در حوزه مطالعات علوم قرآنی، علم مناسبت (تناسب) آیات و سور قرآنی، از دیرباز در ذیل مبحث إعجاز القرآن مطرح بوده است و موافقان و مخالفان بسیاری در بین دانشمندان اسلامی داشته است. اساساً مناسبت میان آیات و سوره‌ها بر این تصور استوار است که متن قرآن یک واحد ساختاری مرتبط الأجزاء است. مخاطب آن به ویژه مفسر، باید بکوشد این روابط یا مناسبت‌های پیونددهنده آیات با یکدیگر و نیز سوره‌ها با یکدیگر را کشف کند.

در باب اهمیت و جایگاه ویژه این مسئله در حوزه علوم قرآنی همین بس که به اعتراف اکثریت، پیوند خاصی میان این علم و دیگر مسائل و علوم قرآنی از جمله فهم قرآن، تفسیر، إعجاز و اثبات دیگر نظریات علوم قرآنی دارد. بر این اساس از قدیم کتب بسیاری به صورت مستقل در این مسئله تألیف شده است و نیز از جمله مسائل مورد بحث در اکثریت کتب علوم قرآنی، علم مناسبت است، که در آن مؤلف سعی در تبیین مسئله و تبیین نظر خود در قبال این مسئله دارد.

در مبحث تناسب میان آیات، مواردی یافت می‌شود که علما از ایجاد پیوند بین آن‌ها عاجز ماندند. لذا برای حل مشکل به مسئله توقیفیت ترتیب آیات در یک سوره استمساک کردند (منابع حدیثی و علوم قرآنی بسیاری

این مسئله را بیان نموده‌اند). البته در بسیاری از آثار گذشتگان - اعم از تفسیری و علوم قرآنی - مؤلف نظریه خود را در قالب مثال‌های قرآنی بیان می‌کند، ولی هیچ‌گاه به قوانین زیربنایی - ای که نظریه وی بر آن حاکم است - اشاره نمی‌کند. بلکه در مکانیسم ذهنی خود با استفاده از این قوانین، حاصل و نتیجه این فرآیند را مکتوب می‌کند. لذا بسیاری از اصول و مبانی روش وی پنهان می‌ماند.

در حوزه استشراق نیز با مسئله مشابهی مواجهیم. آن زمان که قرآن کریم به‌عنوان سند مکتوب و جامع عقاید دین اسلام مرزها را درنوردید، همگان در برابر این متن الهی اظهار شگفتی نمودند. از جمله مؤلفه‌های کلام وحی که موجبات سردرگمی و ناتوانی مستشرقین را فراهم کرد، پیچیدگی و تنوع موضوعات - چه در یک سوره و چه در کل قرآن - بود. به نحوی که خواننده شاهد بود، که در یک سوره آیات (به‌ظاهر) بی‌نظم و ناپیوسته کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند. این در حالی است که در هیچ متن مشابه دیگری - چه متون مقدس و چه متون ادبی - اینچنین یافت نمی‌شد. این مسئله آنچنان بغرنج شد که مستشرقین راهی جز فرضیه پراکنی و خیال‌بافی نیافتند. به‌عنوان نمونه ریچارد بل، از زیرک‌ترین شرق‌شناسان انگلیسی، در پی پژوهشی در سال ۱۹۳۷ میلادی چنین پنداشت که، گروهی را که عثمان مأمور گردآوری قرآن کرد، گاه مدارکی شامل اشکال متفاوت یک سوره می‌یافتند و چون جرئت انتخاب نداشتند، آن‌ها را به هم متصل کردند و این وضع را پدید آوردند!

لازم به تذکر این‌گونه فرضیه پراکنی‌ها نیز ریشه در نیافتن قواعد و قوانینی حاکم بر پیوستگی متن قرآن دارد. این در حالی است که با روش تحلیل متن به‌راحتی می‌توان به مؤلفه‌های پیوستگی میان آیات قرآن دست‌یافت و به‌عنوان مؤونه داخلی و با تکیه بر خود متن قرآن ارائه نمود و نیازمند چنین مؤونه‌های خارجی نیست.

لذا در این طرح پژوهشی قصد بر این است تا با بهره‌گیری از تحقیقات و دست‌آوردهای جدید علوم همچون زبان‌شناسی Linguistics، روش تحلیل متن Text Analysis و تحلیل گفتار Discourse Analysis و در قالب یک مطالعه میان‌رشته‌ای Interdisciplinary، مسئله پیوستگی Cohesion در زبان مورد بررسی قرار گیرد. سپس با بومی‌سازی Localization مفاهیم، مبانی و قوانین آن در حوزه قرآن کریم، قواعد و قوانین حاکم بر پیوستگی متن قرآن کریم را استخراج کنیم. لازم به تذکر است، گفتمان منتخب در این تحقیق مطابق با محافل علمی و دانشگاهی دنیاست، لذا در سطحی موازی با آن‌ها قابل طرح هست، که خود گامی مهم و مؤثر برای حضور در این‌گونه محافل، به ویژه حوزه‌های مطالعاتی اشتراق هست.

#### ۱-۱. پیشینه مسئله در علوم قرآنی

هرچند که عنوان پیوستگی متنی در بین متون اسلامی به چشم نمی‌خورد ولی خود موضوع مورد توجه بوده است. در این قسمت سعی خواهیم کرد که به تلاش‌های مسلمانان در این باره اشاره‌ای گذرا داشته باشیم تا شاید بتوانیم در ترسیم راه‌های ناپیموده این موضوع به توفیق بیشتری دست یابیم.

#### ۱-۱-۱. تفاسیر و دغدغه‌های مشابه

در تفاسیر مختلفی بحث از پیوستگی متنی در قالب و شکل دیگری مطرح شده است. به‌طور مثال طبرسی در تفسیر مجمع‌البیان در ذیل عنوان «النظم» با برقراری ارتباط یک آیه با آیه یا آیات قبل از خود سعی در ارائه انسجام معنایی این آیات با یکدیگر دارد و جایگاه این آیات را در مجموعه این آیات مشخص می‌سازد. او در برقراری ارتباط بین آیات از شیوه ارتباط معنایی آیات با یکدیگر بهره می‌برد. طبرسی با یافتن نقاط مشترک هر آیه یا قسمتی از سوره با موضوع اصلی سوره، به ذکر ارتباط آن‌ها با موضوع

می‌پردازد. نکته قابل توجه این است که طبرسی در جایی به بیان این ارتباطات آیات می‌پردازد که برقراری ارتباط میان آیات برای مخاطب دشوار است از این رو با برجسته کردن روابط معنایی بین آیات، ارتباط آن‌ها را ملموس‌تر می‌سازد (برای نمونه نگاه کنید به: طبرسی، ۱۴۰۳: ج ۱، ص ۷۵ و ج ۲، صص ۸۳-۸۲).

فخر رازی نیز به موضوع پیوستگی آیات و نظم آن‌ها در سوره‌ها توجه کرده است و در بخشی از تفسیر خود در ذیل آیه ۲۸۵ سوره بقره چنین می‌گوید: «هر کس که در ظرایف نظم این سوره‌ها و در بدایع ترتیب آن‌ها دقت کند درخواهد یافت که قرآن همان‌گونه که از حیث فصاحت الفاظش و برتری و والایی معانی‌اش معجزه است از حیث ترتیب و نظم آیاتش نیز معجزه است و چه بسا کسانی که گفته‌اند قرآن معجزه است ترتیب و نظم آن را در نظر داشته‌اند. جز اینکه من اکثر مفسرین را از این ظرافت‌ها روی گردان و بی‌توجه به این امور یافته‌ام» (فخر رازی، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۲۸). فخر رازی در جای‌جای تفسیر خود به ارتباط آیات با یکدیگر و چگونگی نظم آیات اشاره می‌کند و همانند طبرسی از شیوه ارتباط معنایی بین آیات کمک می‌گیرد.

تفسیر بعدی که در آن به موضوع پیوستگی آیات و سوره‌ها پرداخته شده است، تفسیر «فی ضلال القرآن» سید قطب است. سید قطب از جمله مفسرانی است که به بیان تناسب موضوعی سوره‌ها می‌پردازد و به دنبال نظم و انسجام فنی آن‌هاست. هدف او بیان وحدت موضوعی قرآن کریم است (ایازی، ۱۴۱۴: صص ۵۱۵-۵۱۴). سید قطب در هر سوره‌ای با ارائه موضوعات مورد بحث سوره، به دنبال یافتن محور اساسی و واحدی برای هر سوره است که تمام موضوعات سوره گرد آن جمع می‌شوند. او به این محور یا محورهای اشاره می‌کند و سپس در ربط و برقراری ارتباط بین موضوعات، سعی و تلاش فراوانی می‌کند. وی در ربط موضوعات مختلف



سوره به موضوع محوری و اساسی سوره از ظروف و شرایط تاریخی و اسباب نزول نیز کمک می‌گیرد.

برخی از تفاسیر معاصر نیز همانند دو تفسیر متأخر قبلی به این مقوله پرداخته‌اند. از جمله این تفاسیر می‌توان به تفسیر «الاساس فی التفسیر» اشاره کرد که مفسر آن سعید حوی سعید در ارائه نظریه جدیدی در موضوع وحدت قرآنی دارد. او به نقد تفاسیر قدما می‌پردازد و معتقد است قرآن از میان سیاق آیه در سوره و از خلال سیاق آیات نسبت به مجموع قرآن و ارتباطات موجود میان سوره‌ها و مسائل دیگر، معانی گسترده و احاطه‌ناپذیری را در اختیار مفسر قرار می‌دهد (سعید حوی، ۱۴۲۴: ج ۱، ص ۲۱). او تفسیر خود را مطابق حدیث نبوی که قرآن را به چهار قسمت تقسیم می‌کند، به چهار بخش تقسیم می‌کند: طوال، مئین، مثنی و مفصل. هر یک از اقسام مئین، مثنی و مفصل، شامل مجموعه‌های متعددی از سوره‌ها هستند که هر مجموعه، در داخل قسم خود، یک واحدی را تشکیل می‌دهد. او برای سوره‌های قرآن از لفظ «قسم» و «مجموعه» استفاده می‌کند و برای آیات در یک سوره از واژه‌های «قسم»، «مقطع» و «فقره» استفاده می‌کند. در نظر او واژه قسم وسعت معنایی بیشتری دارد لذا در سوره‌های طولانی به کار می‌رود که مقاطع مختلفی دارند و وجه جامعی آن‌ها را به هم پیوند می‌دهد. همین‌طور که مقطع وسیع‌تر از فقره، فقره وسیع‌تر از مجموعه است. او تفسیر خود را در یازده جلد در چهار بخش طوال، مئین، مثنی و مفصل با روش تنظیمی جدید خود به رشته تحریر درآورده است (سعید حوی، ۱۴۲۴: ج ۱، صص ۳۱-۳۰).

از دیگر مفسران، شیخ محمد شلتوت نیز در اثر خود با عنوان «الی القرآن الکریم» به دنبال بیان مقاصد قرآن کریم و روش‌های تبلیغی قرآن است و از جمله کسانی که به همبستگی آیات توجه دارند. شلتوت با

بررسی ۲۶ سوره از قرآن، سوره‌ها را به ربع‌های مختلف تقسیم می‌کند و در ضمن این ربع‌ها به موضوع یا موضوعات مطرح در آن‌ها اشاره می‌کند. گاهی ادامه یک ربع در سوره بعدی است. یا، دو سوره ربع‌های متوالی در موضوعات مختلف دارند (شلتوت، ۱۴۰۵: ص ۲۵).

تفسیر دیگر تفسیر کاشف است که به اذعان نویسندگان آن به دنبال ارائه ترجمه پیوسته و تفسیر گونه‌ای از قرآن است که با سبک و روش نگارش جدید به هدف نشان دادن همبستگی آیات و دسته‌بندی آن‌ها و روشن ساختن مفاهیم مورد غفلت برخی از کلمات و ارائه زمینه‌های تاریخی برخی از آیات تدوین شده است (حجتی؛ بی‌آزار شیرازی، ۱۳۶۳: ج ۱، ص ۱۰).

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این تفسیر توجه به همبستگی آیات است مؤلفان این تفسیر در این باره چنین می‌گویند: «قرآن یک واحد به هم پیوسته و مجموعه از هم ناگسسته‌ای است» و همان‌طور که پروفیسور «عرفان شهید» در مقاله خود تحت عنوان (A contribution to Koranic exegesis) می‌نویسد: «توجه به همبستگی آیات سوره در تفسیر قرآن حائز اهمیت است. چه تجزیه آیات قرآن و تفسیر هر یک - جدای از تمامی سوره - بیش از هر چیز برای قرآن زیان‌بار است» (حجتی؛ بی‌آزار شیرازی، ۱۳۶۳: ص ۱۲). این تفسیر هنوز به اتمام نرسیده است و نگارش آن ادامه دارد.

### ۲-۱-۱. علوم قرآنی و مباحث مشابه

هرچند نوعی از انواع علوم قرآنی به موضوع پیوستگی متنی سوره‌های قرآن اختصاص نیافته است ولی انواع مختلفی از آن با بحث پیوستگی متنی در ارتباطند. این انواع علوم قرآنی شامل مبانی موضوع و تلاش‌های پراکنده علمای علوم قرآنی در این زمینه است که در ذیل دو نوع؛ مبانی موضوع در علوم قرآنی و بررسی موضوع در علوم قرآنی، در زیر مورد بررسی قرار می‌گیرند.

## الف. علم المناسبه

مناسبت در لغت به معنای هم‌شکلی و مشابهت و نزدیکی است (جلال الدین سیوطی، ۱۴۲۰: ج ۲، ص ۹۷۷) و در اصطلاح به رابطه و پیوند میان دو چیز گفته می‌شود که در اصطلاح علوم قرآنی به ارتباط میان موضوعات یک آیه و پیوند دو یا چند آیه با هم و ارتباط سوره با سوره اطلاق می‌شود (جلال الدین سیوطی، ۱۴۰۸: ص ۱۵۳). در واقع مناسبات، دانشی است که به بحث از پیوستگی‌های ممکن میان موضوعات قرآن در شکل‌های گوناگون آن می‌پردازد و به آشکار کردن پیوندهای پنهان می‌پردازد (ایازی، ۱۳۸۰: ص ۱۵).

علم مناسبات، در میان علمای قرآن مورد توجه بوده است و تدقیق‌های عالمانه آن‌ها در این علم سبب شناسایی انواع مختلفی از آن شده است. مناسبات جمله‌ای از قدیمی‌ترین انواع مناسبات مطرح شده می‌باشند، پیوستگی جمله با جمله در یک آیه طبیعی به نظر می‌رسد ولی در بعضی آیات این پیوستگی از غموض و پیچیدگی برخوردار است که دستیابی به آن نیازمند دقت بیشتری است. از این‌رو مفسران برای نشان دادن این مناسبات به راه‌حل‌ها و توجیهاات فراوانی دست‌زده‌اند. این توجیهاات همگی در راستای دستیابی به این مطلب است که چرا قرآن از موضوعی به موضوعی دیگر رفته است. روابط و پیوند این دو موضوع چگونه ممکن است؟ (ایازی، ۱۳۸۰: صص ۴۱-۴۰).

در یک تقسیم‌بندی کلی، عدم پیوند دو جمله، به دو گونه است: (۱) دو جمله در یک آیه مستقل از یکدیگرند و می‌توان برای آن‌ها وجه جامعی یافت. (۲) دو جمله غیرمستقل و در ظاهر غیرمرتبط که ارتباط میان آن دو روشن و واضح نیست و این دو جمله در یک آیه قرار گرفته‌اند. در این مورد است که تأویل و تفسیر به یاری مفسر می‌آید (ایازی، ۱۳۸۰: صص ۴۱-۴۰). نوع دیگر مناسبات، مناسبات آیه‌ای است که بحثی رایج در علم

مناسبات است. با توجه به اینکه ترتیب آیات در سوره‌ها بنا بر نظر مشهور علمای علوم قرآنی، توقیفی است، لذا پیوستگی و ربط میان آیات امری منطقی و معقول خواهد بود. از سویی در سوره‌های قرآن موضوعات مختلفی مطرح می‌شود و در اکثر سوره‌های قرآن آیات از موضوعی به موضوعی دیگر می‌روند و موضوعات مطرح‌شده در نظر قاری قرآن ممکن است گسسته و بی‌ربط به یکدیگر باشند. در این باره علمای علم مناسبت از اصطلاح استطراد استفاده می‌کنند یعنی میان دو آیه بی‌ربط به یکدیگر مناسبت استطراد وجود دارد یعنی در ضمن بیان یک مطلب، موضوع دیگری را با توجه به نتیجه بحث پیش می‌کشد (ایازی، ۱۳۸۰: ۴۵-۴۳).

اما جدای از مناسبات موجود در خود آیه یا بین آیات، تمام آیات یک سوره نیز از پیوستگی برخوردارند و مناسبات و پیوستگی میان همه آیات یک سوره نشانگر درجه بالاتری از مناسبات است. از سویی حتی جایگاه هر سوره نیز در قرآن از حکمت و دلیل برخوردار است لذا می‌توان یک نوع از مناسبات تعیین هر سوره در جایگاه خود دانست (ایازی، ۱۳۷۸: صص ۴۷-۵۴).

انواع دیگری از مناسبات نیز وجود دارد که فقط به ذکر عنوان آن‌ها اکتفا می‌کنیم: مناسبت آغاز سوره با پایان همان سوره، مناسبت آغاز سوره با پایان سوره قبلی، مناسبت مضمون سوره با سوره قبلی، مناسبت شروع با ختم قرآن، پیوستگی میان مجموعه‌ای از سوره‌های قرآن، پیوستگی نظام‌دار میان کلمات قرآن، پیوستگی سیستمی، پیوستگی میدانی (نظریه ایزوتسو) (ایازی، ۱۳۷۸: صص ۷۹-۵۵).

### ب. علم الفواصل

کلمه آخر آیه را فاصله گویند که مشابهت زیادی به قافیه در شعر و قرینه در سجع دارد. ابو عمرو دانی کلمه آخر جمله را فاصله می‌نامند (بدر الدین محمد بن عبد الله زرکشی، بی‌تا: ج ۱، ص ۵۳)؛ ولی تعریف اول از مقبولیت

بیشتری در بین دانشمندان علوم قرآنی برخوردار است. از سویی دانی بین فواصل و رئوس آیات فرق می‌گذارد و معتقد است که فاصله به کلام منفصل از مابعدش اطلاق می‌شود. کلام منفصل گاهی در رأس آیه قرار می‌گیرد و گاهی در مکانی غیر از آن جای می‌گیرد. فواصل نیز این‌گونه‌اند و در رأس آیه و غیر آن قرار می‌گیرند لذا فاصله هر دو نوع را در خود دارد و می‌توان چنین گفت که هر رأس آیه‌ای فاصله است ولی هر فاصله‌ای در رأس آیه قرار نمی‌گیرد (زرکشی، بی‌تا: ص ۵۳).

فاصله در جایی کاربرد دارد که فرد بخواهد مکتبی در کلام خود انجام دهد و با آن زیبایی و جلوه ویژه‌ای به کلام خود ببخشد. این شیوه گفتاری، قرآن را از سایر کلام‌ها متفاوت و متمایز می‌سازد. نام‌گذاری فواصل برای این موضوع به این دلیل است که با این توقف و فاصله، دو کلام از یکدیگر جدا می‌روند و آخر آیه بین قسمتی با قسمت بعدی آن جدایی می‌اندازد. اسم فاصله را نیز از کلام الهی گرفته‌اند: «کتاب فصلت آیاته». در تمایز میان سجع و فاصله چنین گفته‌اند که اصل سجع از سَجَع الطیر است و ساحت قرآن کریم منزّه از آن است که لفظی را به‌کار ببریم که اصل وضع آن برای صدای پرنده بوده است و از جهت اینکه اسم سجع در کلام مردم کاربرد دارد و کلام الهی بر کلام دیگران شرف و منزلت دارد و قرآن از صفات الله عزوجل است و توصیف آن به صفتی که اذنی در این مورد بر آن نرسیده است؛ جایز نیست (زرکشی، بی‌تا: ص ۵۳).

مقاطع و فواصل کلام در نزد اهل بدیع گوناگون و مختلف‌اند که در زیر به انواع مختلف آن‌ها خواهیم پرداخت: ۱. متوازی ۲. مطرف ۳. متوازن ۴. مرصع ۵. متمائل ۶. متقارب ۷. توأم ۸. لزوم مالایلم (محمد هادی معرفت، ۱۳۷۳: ص ۹۰).

در نظر بدر الدین زرکشی بهترین و برترین نوع فاصله، فاصله متوازی

است. فاصله متوازی، فاصله‌ای است که دو کلام در وزن و سجع با هم توافق داشته باشند همانند این دو آیه: «فِيهَا سُرُورٌ مَرْفُوعَةٌ وَأَكْوَابٌ مَوْضُوعَةٌ». مطرف فاصله‌ای است که دو کلام در حروف سجع با هم توافق باشند نه در وزن؛ مانند این آیات: «مَالِكُمْ لَا تَزْحُونُ لِلَّهِ وَقَارًا وَقَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَارًا». متوازن آن است که فواصل فقط در وزن باهم توافق مماثلت داشته باشند نه در حروف سجع. مثال آن چنین است: «وَنَمَارِقٌ مَصْفُوفَةٌ وَرَزَابِيٌّ مَبْثُوثَةٌ» (بدر الدین زرکشی، بی تا: ج ۱، صص ۷۶-۷۵). مرصع فاصله‌ای است که هم در وزن و هم در حروف سجع توافق و مماثلت وجود دارد و درعین حال کلمه‌ها از توافق در نظم و تألیف نیز برخوردارند. همانند این آیات: «إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ». متمائل آن است که فواصل در وزن و سجع و توازن و تألیف و تعداد کلمات موافق و همانند باشند. همانند این مثال: «وَاللَّيْلُ إِذَا عَسَسَ وَ الصُّبْحُ إِذَا تَنَفَّسَ». متقارب آن است که توافق و تماثل آن‌ها فقط به واسطه وجود حروف متقاربه باشد نه تماثل حقیقی مانند: «ق وَالْقُرْآنِ الْمَجِيدِ بَلْ عَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنذِرٌ مِنْهُمْ فَقَالَ الْكَافِرُونَ هَذَا شَيْءٌ عَجِيبٌ». توأم نیز نوع دیگری از فاصله است که کلام بر مبنای دو فاصله در قالب بیان جای می‌گیرد به گونه‌ای که هر یک از آن دو صلاحیت و شایستگی مقطع و آخر کلام شدن را داشته باشند. به طور مثال این آیه را می‌توان ذکر کرد: «لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا».

نوع دیگری از فاصله «لزوم ما لا یلزم» است که والاتر و برتر از انواع قبلی است این نوع فاصله در اصطلاح علم بدیع به این معنا است که متکلم در تمام عبارات خود به یک یا دو حرف و یا بیشتر قبل از «روی» ملتزم گردد به این شرط که به تکلف و زحمت نیفتد. مثال التزام به یک حرف: «فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ» (ضحی ۹). در اینجا حرف «هاء» قبل از روی «راء» آمده است. مثال التزام به دو حرف قبل از روی: «وَالطُّورِ وَكِتَابٍ

مَسْطُورٍ» (طور/۲۰) مثال التزام سه حرف: «إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ وَإِخْوَانُهُمْ يَمُدُّوهُمْ فِي الْغَيِّ ثُمَّ لَا يُقْصِرُونَ» (اعراف/۲۰) (معرفت، ۱۳۷۳: صص ۹۵-۹۲).

### ۱-۱-۳. تقسیمات قرآنی

#### الف. آیه و سوره

در قرآن با دو اصطلاح مهم، آیه و سوره مواجهیم. این دو نوع تقسیم‌بندی صورت گرفته در متن‌های قرآنی، چهره این متون را دگرگون کرده‌اند. این نوع از تقسیم‌بندی که با هیچ نوعی از تقسیمات بشری تلائمی ندارد، مختص متون قرآنی است. بنابراین دستیابی به ماهیت و چگونگی آن‌ها، کاری بس دشوار و مشکل است. در زیر به تعریف و توضیح هر یک از این اصطلاحات می‌پردازیم.

آیه در لغت به معنای، معجزه، نشان و علامت، عبرت، شگفت، برهان و دلیل، جماعت، داستان و قصه به‌کار رفته است (محمود رامیار، ۱۳۸۰: صص ۵۴۹-۵۵۰). در هر آیه، یک جمله یا چند جمله را می‌بینیم که محدوده آیه را در میان آیات مشخص می‌کنند و به‌اصطلاح ما، در صورت دارا بودن «ملاک‌های متنیت»<sup>۱</sup> می‌تواند یک متن را تشکیل دهند. بنابراین یک آیه ممکن است یک متن را تشکیل دهد و یا با یک یا چند آیه دیگر شرایط متنیت را به‌دست آورند. لازم به ذکر است که محدوده آیات را شرع مقدس تعیین کرده است.

سوره در لغت به معنای شرف و منزلت، بنای زیبای باشکوه، دیوار شهر و نیم‌خورده و زیادی چیزی به‌کار رفته است. در اصطلاح نیز به گروهی از آیات اطلاق می‌شود که در نظم و ترتیب قرآنی میان دو بسم الله و از پی هم

۱. در بخش بعدی ملاک‌های متنیت را مورد بررسی قرار خواهیم داد.